

ارائه مدل مفهومی و سیستماتیک از امنیت ملی

سید کامران یگانگی^۱، پریسا عبایی^۲

^۱ گروه مهندسی صنایع، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه مهندسی صنایع، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

yeganegi.k@gmail.com

چکیده

امنیت ملی یکی از ارزشمندترین و بالاترین ثروت ها به شمار می رود که بر این اساس مفهوم امنیت ملی برای دولت- ملت از چندان قداست والایی برخوردار است که ضروری است تمامی اهداف و سیاست های ملی را برای دستیابی به آن بسیج کرد. تاریخچه پیدایش مفهومی امنیت ملی را تا سده هفدهم میلادی و آغاز شیوه های جدید مملکت داری در قالب دولت- کشورهای مستقل به عقب می برند، ولی آغاز مطالعه علمی این مفهوم را می توان در سالهای پس از جنگ جهانی اول و دوم جستجو کرد. در عین حال طرح علمی و نظری این بحث در ایران پدیده ای کاملاً جدید و نو محسوب می شود. ورود و شناسایی پارامترهای موثر بر امنیت ملی و راهی برای کمی سازی این مفهوم کیفی میتواند راهگشا برای دولت ها و ملت ها باشد. در این مقاله با مطالعه ابعاد امنیت ملی سعی در کمی سازی این مفاهیم داشته و در انتها یک مدل ریاضی برای امنیت ملی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: امنیت ملی، امنیت، ویژگی های امنیت ملی، ابعاد امنیت ملی

۱. مقدمه

پس از شکل گیری عناصر اصلی دولت یعنی قلمرو، مردم، حکومت و حاکمیت، و تشکیل دولت بر اساس فلسفه آولی تأسیسی آن، نخستین نهادها یعنی سازمانهای نظامی-انتظامی پدید می آیند و در بعد داخلی و خارجی وارد.

عمل می شوند (شایان ذکر است انسانها با دریافت این حقیقت که به خودی خود نمی توانند برقرار کننده امنیت خویش باشند و برای حل این مشکل نیاز به سازمانهای بزرگتری دارند گامهای ابتدایی را در جهت ایجاد دولت برداشتند). از اهداف اصلی و اولیه همه دولتها همین دو مساله است. عرصه تجلی و تحقق این دو هدف اصلی سیاست داخلی است ولی در صحنه بین المللی نیز تعقیب می شود یعنی اصل تأمین منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی تجلی این دو نیاز اولیه داخلی است. ولی در صحنه بین المللی نیز تعقیب می شود یعنی اصل تأمین منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی تجلی این دو نیاز اولیه داخلی دولت است. به عبارت دیگر، بی وجود امنیت هیچ برنامه ای در داخل یک کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصادی، سرمایه گذاری، طرح ریزی برای رشد و هر گونه برنامه دیگر نیاز به آرامش و زمینه مطمئن در سطوح مختلف جامعه دارد که همگی در گرو برقراری امنیت است. در واقع امنیت در زمره اهداف و ارزشهای اصولی و پایدار هر جامعه است.

۲. تعریف امنیت ملی

در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی ارائه شده است که قبل از اشاره به تحول مفهومی آن در زمانهای گذشته لازم است نخست به این تعاریف اشاره ای داشته باشیم. تا دهه ۱۸۸۰ تعریف جامعه و کاملی از امنیت ملی ارائه نشده بود و بعد از آن به تدریج تعاریف کامل شد. هافندورن معتقد است که «در قرن هفدهم میلادی شکل گیری دولت ملی و تمایل آن به بقا باعث مطرح شدن این مفهوم شد». اما «می» اشاره می کند که «این واژه فقط در قرن بیستم خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است»^۱.

این مفهوم مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحدی که مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران باشد نیست. ریشه این عدم اتفاق نیز به برداشت متفاوت افراد، گروهها و کشورها از این واژه باز می گردد. شاید علت این عدم اتفاق گستردگی و کلیت اکثر مسائل و ارزشهای انسانی-اجتماعی باشد که همگی تحت تأثیر این مفهوم قرار دارند. بر همین اساس آرنولدو لنوز می گوید «امنیت ملی نماد ابهام آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معانی دقیق باشد». آلستایر بوکان نیز معتقد است «امنیت واژه ای است که معانی بسیاری دارد» و بری بوزان هم می گوید «امنیت ملی را نمی توان بطور کلی تعریف کرد بلکه تنها در موارد مشخص می توان آن را تعریف نمود». {۲} او در جای دیگری چنین می گوید «امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف مبهم ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می گذارد». {۳} با این احوال از سوی صاحب نظران در این مورد تعاریف مشخص تر و دقیقتری نیز مطرح شده است. برای نمونه، در دائرة المعارف علوم اجتماعی این واژه چنین تعریف گردیده است: «توان یک ملت برای حفظ ارزشهای داخلی از تهدیدات خارجی». {۴} سازمان ملل متحد طی پژوهشی در

^۱ "امنیت ملی national security به دنبال تولد ملت کشور مطرح شد که ریشه آن به قرن ۱۷ میلادی باز می گردد در آن زمان این مفهوم نوظهور تحت عنوان بقای ملی national survival مطرح شد".

این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت» آن را چنین تعریف می‌نماید: «اینکه کشورها هیچگونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکنند و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند». {۵} در فرهنگ علوم سیاسی نیز چنین آمده است: «امنیت ملی عبارت از احساس آزادی کشور در تعقیب هدفهای اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور می‌باشد». {۶} در فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل این مفهوم بدین صورت تعریف شده است. «حالتی که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود ره سر می‌برد» {۷}. والتر لپمن (Walter Lippman) محقق و نویسنده آمریکایی نخستین کسی بود که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نمود: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد». {۸} رابرت مک نامارا نیز می‌گوید «اگر امنیت دال بر وضعی باشد که آن وضع حداقلی از نظم و ثبات است» و ریچارد کوپر می‌گوید «توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزشهای امنیت ملی است». {۹}

برژینسکی سیاستمدار آمریکایی در اوج جنگ سرد درباره امنیت معتقد بود که «نقطه شروع کنکاش در باب امنیت ملی باید با شناسایی صحیح ماهیت تغییرات عصر ما قرین باشد. به اعتقاد من چهار انقلاب مرتبط با هم دنیای معاصر را دستخوش تحول کرده است: انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی، انقلاب اقتصادی و انقلاب نظامی. تأثیرات این چهار انقلاب بطور هماهنگ روی نظام بین‌الملل، رقابت دو ابر قدرت، ثبات و موازنه نظامی آنها آشکار است و در آینده ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهد کرد». {۱۰}

رابرت ماندن نیز چنین می‌گوید: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزو مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیمها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند». {۱۱} با دقت در تعاریف فوق می‌توان چنین برداشت نمود که نقطه مشترک قابل قبول همه صاحب‌نظران ضرورت «حفظ وجود خود» است که می‌توان به شکل دیگر آن را به «حفظ ذات و صیانت نفس در برابر اساسی‌ترین خطرات» تعبیر کرد. برخی از صاحب‌نظران حفظ خود یا «صیانت ذات و نفس» را در چهار پدیده با ارزش خلاصه می‌نمایند:

الف) حفظ جان مردم ب) حفظ تمامیت ارضی ج) حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی د) حفظ استقلال و حاکمیت کشور

اهمیت امنیت ملی به حدی است که بسیاری از دانشمندان علم سیاست و روابط بین‌الملل بر این نظرند که تحقق این مهم «فلسفه وجودی دولت» یا «فلسفه تشکیل دولت» را به دست می‌دهد.

۳. ابعاد و ویژگیهای امنیت ملی

امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است که با یکدیگر مرتبط اند. در بعد داخلی تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرز ناامنی به بار می‌آورد از قبیل تهدیدات سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب...)، اقتصادی (ناپسامانی و بحرانهای اقتصادی، شغلی، فنی، حرفه‌ای)، نظامی (کودتا، جنگ داخلی...)، اجتماعی (آشوبهای اجتماعی...) که هر کدام مردم را تحت فشار قرار می‌دهد. در بعد خارجی نیز امنیت ملی می‌تواند از ناحیه مسائل سیاسی (انزوای اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله، تعرض نظامی و تقویت قدرت نظامی دشمن)، اقتصادی (تحریمهای اقتصادی، تعرفه، لیست سیاه...) و... تهدید شود. امروزه به دلیل ارتباطات

گسترده و نزدیکی ملتها به یکدیگر امنیت ملی در بعد خارج و داخل کاملاً با یکدیگر در پیوند است و از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرد.

۳.۱. ویژگیهای امنیت ملی

الف) نسبی بودن امنیت: در جهان امروز دستیاری به امنیت مطلق ناممکن است زیرا قدرت که مبنای تحصیل امنیت است متغیر، متفاوت و نسبی است و به تبع آن امنیت حاصل برای دولتها نیز نسبی می‌گردد. بنابراین با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدات بالقوه و بالفعل حتی قویترین دولتها هم امنیت مطلق ندارند.

ب) ذهنی بودن امنیت: اصولاً احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت و امر ذهنی است که ریشه در معتقدات و باورهای مذهبی، اخلاقی و فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد. برآیند این باورها و اعتقادات باعث می‌شود یک ملت یا رهبران آن، کشوری را دشمن و کشور دیگری را دوست تلقی نمایند. چون احساس امنیت یا عدم آن یک برداشت ذهنی است حتی با تغییر رهبران سیاسی (احزاب) این مفهوم تغییر می‌یابد. {۱۲}

ج) تجربه ناپذیر بودن امنیت: بدین معنی که امنیت در مقابله کردن با حاکمیت و استقلال یک کشور رابطه مستقیم دارد. یعنی اگر در شهر یا استانی از یک کشور جنگ داخلی یا ناامنی پدید آید نمی‌تواند ادعا کند که چون در دیگر شهرها امنیت به هم نخورده است دارای امنیت ملی کامل است. {۱۳}

۳.۲. ابعاد امنیت ملی:

۱- امنیت سیاسی ۲- امنیت اقتصادی ۳- امنیت نظامی ۴- امنیت منابع و زیست محیطی ۵- امنیت اجتماعی ۶- امنیت فرهنگی

۳.۲.۱ امنیت سیاسی

تفکیک امنیت سیاسی از سایر وجوه امنیت، امری پیچیده است. زیرا تفکیک امنیت سیاسی با امنیت (به معنای خاص امنیت) در عمل با مشکل روبرو خواهد بود. از این رو، گستره امنیت سیاسی، از امنیت یک نظام سیاسی، حاکمیت، دولت تا جوهی از مسائل سیاسی در یک جامعه گسترده خواهد بود.

تهدید سیاسی عموماً به عنوان زمینه ساز سایر تهدیدها و یا مکمل آنها نیز عمل می‌کند. به اعتباری می‌توان چنین تلقی کرد که اساساً تهدید سیاسی متوجه تمامی سازمان‌های دولتی است. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد.

ساندرز در جهت تبیین سیستم‌های سیاسی، عناصر اصلی سیستم را بدین شرح بر شمرده است:

بدون شک اگر از مفهوم «سیستم» بخواهیم استفاده کنیم، باید عناصر تشکیل دهنده سیستم را بشناسیم. در بین مؤلفه های موجود در سطح نظام سیاسی ملی، اجزاء و عناصر زیر را می توان نام برد: احزاب سیاسی، دیوان سالاری حکومتی، گروه های ذی نفوذ، قوه مقننه، قوه قضائیه، قوه مجریه، ارتش، دانشجویان، انجمن های اولیه مانند جماعت های خویشاوندی یا گروه های قومی و قبیله ای، جریان های سیاسی، رهبران فکری، ارزشها و عقاید توده مردم و رسانه های ارتباطی.

بنابراین، در بُعد سیاسی امنیت ملی می توان به ابعاد فرعی مانند ساختار، ضعف و قوت، کارآمدی، میزان مشروعیت، امنیت دولت، احزاب، مواردی که به مشروعیت نظامهای سیاسی باز می گردد، بحث قومیت ها و اقلیتها در جوامع، میزان نهادمندی جامعه مدنی در کشورها و شیوه مشارکت سیاسی اشاره کرد.

۳،۲،۲ امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی در خلال جنگ سرد، در کشاکش بالا بردن موازنه قدرت، ابتدا در بلوک غرب مطرح شد. در کنار پیمان های نظامی، بلوک های اقتصادی نیز در سطح بلوک و در مناطق تحت تسلط در سطح منطقه ای شکل گرفت. اما شکل گیری در نظریه هایی با مفهوم امنیت اقتصادی به طور مشخص پس از جنگ سرد آغاز شد. به طوری که امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت ملی مطرح گردید.

اما خطر بزرگی که امروزه در مورد نظریات رایج امنیت اقتصادی وجود دارد، این است که به غلط آن را تنها بُعد مهم در امنیت ملی تلقی نماییم. علی رغم این نظر، اهمیت بُعد اقتصادی امنیت ملی روز به روز افزون تر می شود. نزاعها، کشمکشها و حتی جنگ های کوچک و بزرگ با اهداف اقتصادی آغاز می شوند. در پس نیت طرفهای درگیر، کسب منافع اقتصادی عنصر اصلی و هدف استراتژیک در شکل گیری سیاست های آنان می باشد. علاوه بر این، امروزه از اقتصاد نه تنها به عنوان مکمل عملیات نظامی، بلکه به عنوان جایگزین در مواردی همچون تمرینها استفاده می شود. به عبارت دیگر اهمیت امنیت اقتصادی تا به آنجاست که کلیه دولتمردان حاضر به هزینه کردن و سرمایه گذاری - ولو در بخش نظامی - در این زمینه هستند.

جنبه های اصلی امنیت اقتصادی عبارتند از رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی کالاها و خدمات. هدف امنیتی در این رابطه افزایش سلامتی اقتصاد ملی از طریق بهبود نسبی آن در مقایسه با شرایط اقتصاد در گذشته و همین طور بهبود شرایط فعلی آن در مقایسه با دیگر کشورها می باشد. یا بنا به گفته ماندل: «امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم در بازارهای بین المللی»

۳،۲،۳ امنیت نظامی

بدون تردید، قدرت ملی، روح کالبد مفهوم امنیت ملی است. امنیت نظامی نیز به عنوان اصلی ترین عنصر قدرت ملی محسوب می شود. در واقع عنصر نظامی گری، معیار نهایی می شود که به وسیله آن، میزان کلی پتانسیل اقتدار و توان (حفظ) امنیت ملی، سنجیده شده و مورد قضاوت قرار می گیرد. بدون تردید میزان اهمیت امنیت نظامی با نوع و تحولات تهدیدها ارتباطی مستقیم خواهد داشت. هر چه تهدیدها به سمت تهدیدهای سنتی سوق یابد، نوعی از امنیت نظامی متناسب آن شکل خواهد گرفت.

گذشته از مباحث نظری، جهان در هر صورت و با هر شکلی از نظم امنیتی، به برقراری نوعی عنصر امنیت نظامی در سطح ملی و بین المللی نیازمند است.

موضوع اصلی امنیت نظامی، بر محور جنگ و ابزارهای زور، دور می زند. هدف مشخص امنیتی در این حوزه عبارت است از جلوگیری از بروز جنگ و در صورت واقع شدن، پیروزی در آن. لذا بخشی از مفهوم امنیت نظامی با رقابت تسلیحاتی در هم

تنیده است. در هم تنیدگی امنیت نظامی و رقابت تسلیحاتی آن چنان پیشرفته است که بنا به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران حوزه امنیت که بیان می دارند مفهوم امنیت نظامی با مفاهیمی چون رقابت تسلیحاتی و معمای امنیت (Security Dilemma) یک دست و همسان شده است؛ چرا که بر طبق این مفهوم تلاش های دولت برای حفظ امنیت خویش ممکن است صرفاً انگیزه های دفاعی داشته باشد، اما در نظر دولت دیگر، انگیزه های تهاجمی تلقی می شود، ناامنی کشور اول افزایش می یابد و دولت را به اتخاذ معیارهای اصلاحی نظامی سوق داده و بدین وسیله باعث دور باطل در حوزه تأمین امنیت نظامی برای یکدیگر می شوند. لذا تا زمانی که برتری نهایی یک کشور بر کشور دیگر راهبردی نظامی باشد، عنصر نظامی و تسلیحاتی، حرف آخر را در قدرت ملی خواهد زد.

معمولاً تهدیدات نظامی در برنامه های امنیت ملی، از بالاترین اولویت برخوردارند. اقدام نظامی می تواند حاصل کار چند قرن در جنبه های دیگر را از بین ببرد. دست آوردهای ارزشمند در زمینه سیاست، هنر، صنعت، فرهنگ و همه جنبه های انسانی ممکن است با توسل به زور کنار زده شوند. به عبارت دیگر امکان دارد که دست آوردهای انسان با روش هایی غیر از آنچه موجب به وجود آوردن آنها شده، در معرض تهدید قرار بگیرد و نیاز به جلوگیری از تحقق این تهدیدات، فلسفه اصلی نقش حفاظتی - نظامی دولت را تشکیل می دهد. لذا همه دولت ها برای مقابله با خطر دارای نیروی نظامی دفاع یا اعمال تلافی جویانه خواه در قالب دفاع یا اعمال تلافی جویانه، هستند. بنابراین با وجود تهدیدات به خصوص تهدیداتی که متوجه حاکمیت ارضی و قلمرو سرزمین دولت ها است، جنگ کردن و پیروزی نظامی در آن، هنوز هم هدف محوری است.

۳،۲،۴ امنیت منابع و زیست محیطی

جدیدترین جنبه امنیت ملی که کمتر از سایر جنبه های این مفهوم مورد توجه بوده است، امنیت منابع و زیست محیطی می باشد. اخیراً ملاحظات مربوط به رشد سریع و بی رویه جمعیت، کاهش منابع طبیعی و گسترش غیر قابل کنترل آلودگی های صنعتی و معدنی وارد صحنه اصلی تفکر روابط بین المللی، پژوهشگران و حتی توده های مردم شده است. در پایان دهه ۱۹۸۰، محیط زیست به عنوان یک موضوع امنیتی آغاز و به یک مرور به مسئله امنیتی برجسته تبدیل شد. موضوعاتی همچون گازهای گلخانه ای، تهی شدن اتمسفر از ازن، ته نشینی اسیدها، خوردگی خاک، از بین رفتن جنگلها، کاسته شدن از ماهی های موجود و آبهای تازه در کنار زوال منابع زیرزمینی از موضوعات مرتبط با امنیت محیط زیست است.

این قسم از امنیت به معنی عدم تهدید و تعرض و فقدان خطر در مورد محیط زیست که به عنوان یکی از مهمترین منابع حیاتی در زندگی فردی و اجتماعی است، می باشد.

به طور کلی صورت گوناگون از امنیت محیط زیست بر خواسته از چهار عامل ذیل تبیین شده است:

(الف) از بین رفتن تدریجی محیط زیست به عنوان یک دلیل ناپایدار سیاسی و مبارزاتی؛

(ب) از بین رفتن محیط زیست که نتیجه و ماحصل یک جنگ است؛

(ج) از بین رفتن محیط زیست به عنوان تهدیدی برای سلامتی و سالم ماندن بشر؛

(د) انجام تلاش هایی که میزان انحطاط محیط زیست را میتوان با کاربرد قدرت کاهش داد.

۵، ۲، ۱۳ امنیت اجتماعی

در خصوص امنیت اجتماعی، اختلاف بر سر مفهوم آن وجود دارد. برخی امنیت اجتماعی را یکی از ابعاد امنیت ملی دانسته و در کنار ابعادی مانند محیط زیست و اقتصادی قلمداد نموده اند. برخی دیگر امنیت اجتماعی را هم سنگ امنیت ملی دانسته اند.

توجه به شأن و جایگاه امنیت در زندگی اجتماعی و کارکرد آن در سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت ها به نحو فزاینده در حال رشد می باشد. در حوزه داخلی، میزان حضور این پدیده در جامعه و در سطح بهره مندی شهروندان یک کشور به عنوان حقی مهم در زندگی اجتماعی، معیاری عمده برای ارزیابی سطح توسعه یافتگی جوامع به شمار می آید و در این چهارچوب، امنیت اجتماعی به عنوان مقوله ای فراگیر و پیش شرط هر نوع برنامه ریزی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جایگاه برجسته ای دارد.

آل ویور (Ole Wever)، امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی های اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و یا احتمالی تعریف می کند. به اعتقاد ویور جامعه امنیت هویت اش را جست و جو می کند. به طوری که قادر به حل اختلافات هویتی باشد و اعضای آن را تنها به دولت واگذار نمایند. او معتقد است تئوری امنیت اجتماعی بر هویت جمعی در مقیاس بزرگ مانند هویت های مذهبی و هویت های قومی متمرکز است که کارآیی و وظایفی مستقل از دولت را دارند. ویور هویت را به عنوان مفهوم صریح امنیت اجتماعی قلمداد نموده و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح می شود که جامعه تهدیداتی نسبت به هویت اش احساس کند.

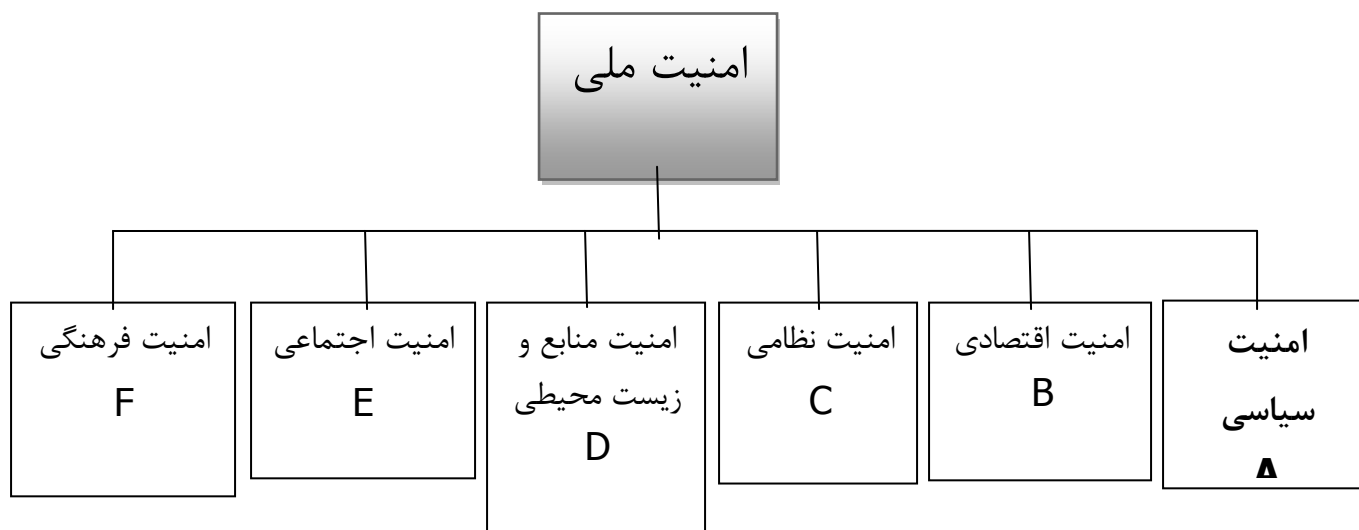
امنیت اجتماعی در حقیقت حد فاصلی است از امنیت ملی که برای مردم یک جامعه ملموس و عینی بوده و با آن به طور روزمره سرو کار دارند. امنیت اجتماعی مبنای قضاوت در مورد میزان وجود امنیت به مفهوم کلی در جامعه بوده و توانایی دولت ها با آن سنجیده می شود. به اعتباری امنیت اجتماعی را می توان در طبقه بندی و سلسله مراتب امنیت در طبقات پایین قرار داد. امنیت اجتماعی زیربنای امنیت ملی در مراحل بالاتر محسوب می شود و به نوعی ابتدایی ترین وظایف دولتها برقراری امنیت اجتماعی است. از حیث نظری ناهنجاریهای اجتماعی، قتل، سرقت، گسترش مواد مخدر، گسیختگی های اخلاقی، منازعات قومی و بحران های هویت در بحث امنیت اجتماعی مطرح می باشند.

۶، ۲، ۳ امنیت فرهنگی

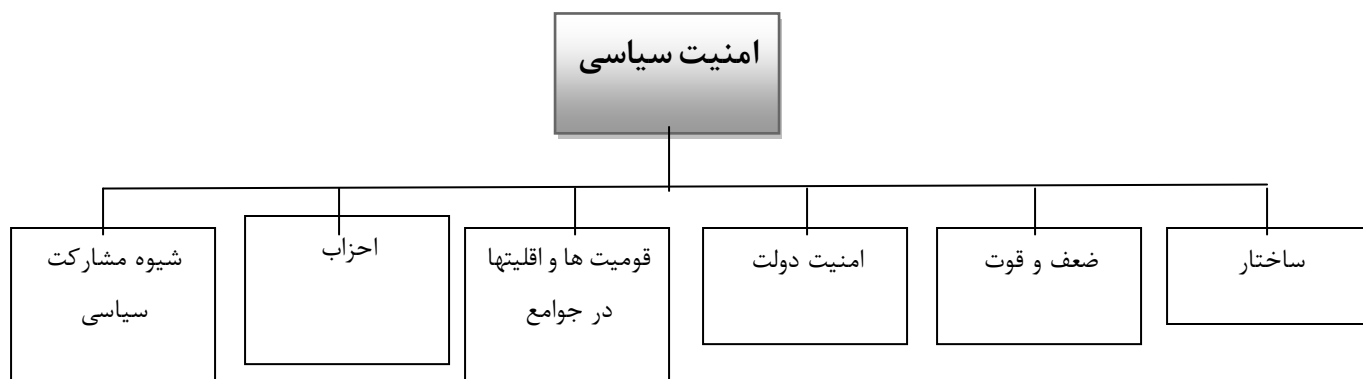
فرهنگ، به مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین گفته می شود. بدین جهت، مهمترین رکن امنیت داخلی را ملاحظات فرهنگی در هر کشور تشکیل می دهد، که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در شکل گیری تهدیدها، راهبردهای مقابله و توان پاسخ گویی کشور تأثیرگذار است.

فرهنگ و به طور اخص مذهب، در سالهای دور به عنوان یک عامل «امنیت ساز» در دولت های ملی و «امنیت سوز» در مناقشات میان دولتها مطرح بوده است. پس از جنگ سرد نیز شاهد نوعی از این گونه منازعات بوده ایم، که نمونه بارز آن در منطقه بالکان رخ داده است. در چند سال اخیر به دنبال رشد اقتصادی سرسام آور ژاپن و پیدایش غول اقتصادی جدید «چین» و به خصوص بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، بار دیگر امنیت ملی و امنیت جهانی ارتباط عمیق تری با مقولات فرهنگی یافت. بعد از سالها بی توجهی و سایه افکنی نگره های ساختاری و عقلانی بر مباحث علوم سیاسی فرهنگی، بار دیگر به عنوان یک عنصر اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که هنوز عده زیادی از اندیشمندان علوم اجتماعی، فرهنگ را مقوله ای غیر علمی تصور می کنند، تعداد فزاینده ای از اندیشمندان علوم سیاسی به دنبال گشودن رهیافت جدیدی بر مقوله فرهنگ می باشند

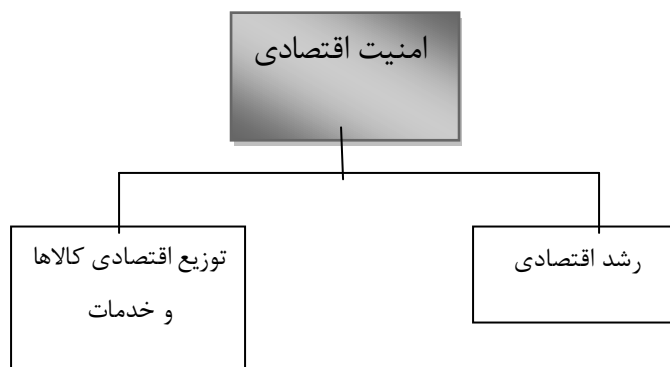
پایان جنگ سرد و سقوط کمونیسم، انگیزه های جدیدی را برای ارتقای مقوله فرهنگ در مطالعات سیاسی حتی به عنوان یک شاخه اصلی در آن فراهم نمود. اکنون فرهنگ از زوایا و چشم اندازهای متفاوتی مورد توجه قرار گرفته است. هانتینگتون که زمانی کاملاً به فرهنگ بی توجه بود، حال با توجه به مقوله فرهنگ از تمایزهای فرهنگی مبتنی بر مفهوم جغرافیای فرهنگی بحث می کند.



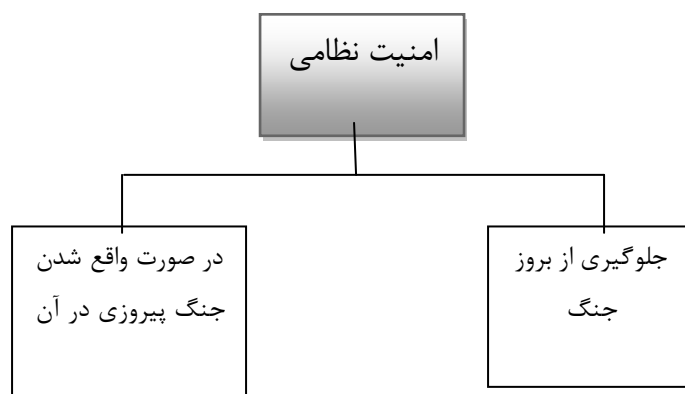
در ضمن هر یک از این ارکان دارای ارکان فرعی می باشند که برخی از آن ها اشاره می شود.



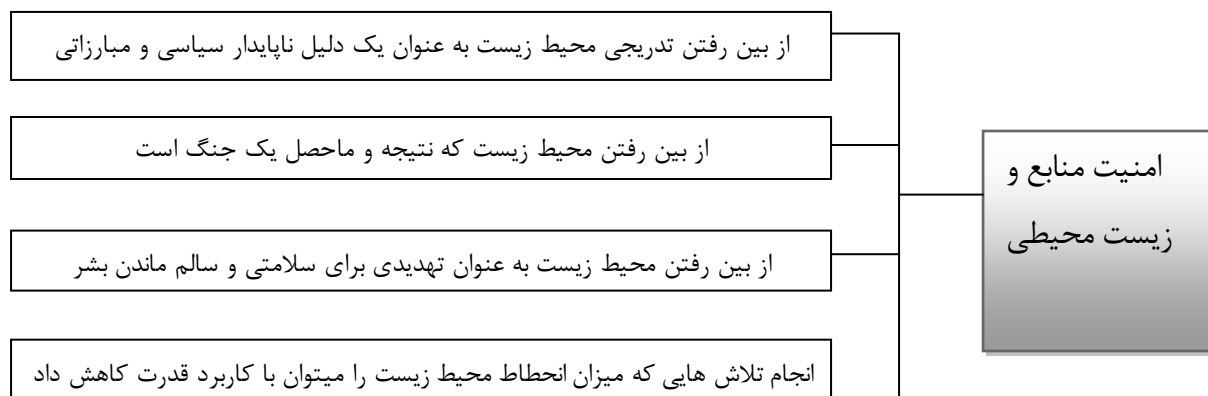
$$\text{امنیت سیاسی} = A_1 + A_2 + A_3 + A_4 + \dots$$



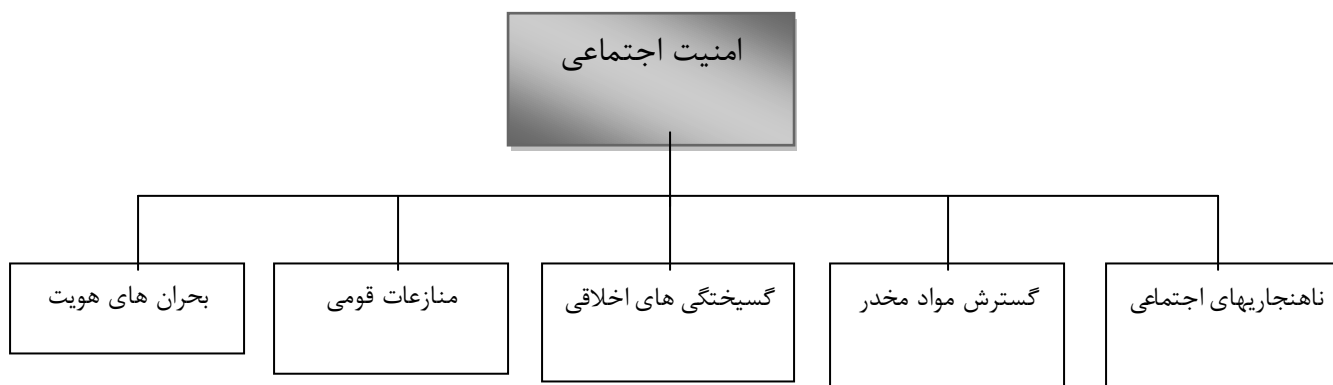
$$\text{امنیت اقتصادی} = B_1 + B_2$$



$$\text{امنیت نظامی} = C_1 + C_2$$



$$\text{امنیت منابع و زیست محیطی} = D_1 + D_2 + D_3 + D_4$$



$$\text{امنیت اجتماعی} = E_1 + E_2 + E_3 + E_4$$

حال با در نظر گرفتن ارکان امنیت ملی میتوان ضریبی برای امنیت ملی محاسبه کرد

$$N.S = \sum((\sum A_j) + (\sum B_j) + (\sum C_j) + (\sum D_j) + (\sum E_j) + (\sum F_j)) : \text{ضریب امنیت ملی}$$

بر اساس درجه اهمیت هر مولفه برای هر کشور میتوان ضریبی نیز برای درجه اهمیت هر پارامتر در نظر گرفت که در نهایت عددی بین صفر و یک به عنوان ضریب امنیت ملی حاصل خواهد شد. که مقیاسی کمی برای امنیت ملی خواهد بود.

۴. خلاصه و نتیجه گیری

در مقام جمع بندی می توان گفت که در دنیای بعد از جنگ سرد، مفهوم جدیدی از امنیت متولد شده است، که با مفهوم امنیت در دوره های قبل تفاوت های اساسی دارد؛ بدین معنی که امنیت چندجانبه، تجزیه ناپذیر و یکسان در حال شکل گیری است. به عبارت دیگر، امنیت یکی مساوی با امنیت دیگری شده است. ورود ریاضیات و کمی سازی در حوزه علوم انسانی تحولات شگرفی در توسعه این علوم داده است. در این مقاله با آنالیز ابعاد امنیت ملی سعی در رسیدن به یک شاخص عددی برای تعیین ضریب امنیت ملی خواهیم داشت.

منابع و مآخذ

- (۱) رابرت ماندل، چهرهء متغیر امنیت ملی، ترجمهء پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۴۳.
- (۲) national Relation., Harvester Wheatsheaf, the national Security Problem in Inter-.Barry Buzan, People, States and Fear: (۳) ماندل، پیشین، ص ۴۹.
- (۴) مفهوم امنیت ملی «ترجمه از - cyclopedia of Social Science International En- روزنامه همشهری، ۱۳۷۲/۲/۹.
- (۵) حاکم قاسمی، "برداشتهای متفاوت از امنیت ملی"، فصلنامهء سیاست دفاعی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۷۲، صص ۵۵-۵۴.
- (۶) علی آقا بخش، علوم سیاسی، تهران، نشر تقریر، ۱۳۶۳، ص ۱۷۳.
- (۷) Jack Plano, (ed.) The International Relations Dictionary, California, Longman, ۱۹۸۸, p. ۴۰.
- (۸) جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۴، ص ۱۱.
- (۹) حمید بهزادی، اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا، ۱۳۶۸، صص ۱۰۴-۱۰۳.
- (۱۰) زیگنیو برژینسکی، در جستجوی امنیت ملی، ترجمهء ابراهیم خلیلی، تهران، سفیر، ۱۳۶۸، صص ۴-۳.
- (۱۱) ماندل، پیشین، صص ۵۱-۵۲.
- (۱۲) هوشنگ عامری، اصول روابط بین الملل، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۰، ص ۱۷۹.
- (۱۳) علی اصغر کاظمی، زنجیرهء تنازعی در سیاست و روابط بین الملل، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۰، صص ۱۱۶-۱۱۵.